



حجه الاسلام والمسلمین
محمدی ری شهری

فرازهائی از:
**بَسْبِیَّتُمْ
قَضَائِیَ اِسْلَامٍ**

اجرت بر قضا

یکی دیگر از ویژگیهای قضا در اسلام اینستکه مجانی و بدون اجرت و مزد است. باین معنا که در سیستم حکومت اسلامی مردم برای گرفتن حقوق خود، نباید متحمل مخارجی شوند، نه بصورت رسمی، و نه بطور غیر رسمی.

در سیستم های حکومتی فعلی جهان هر چند که بصورت مستقیم و بطور رسمی مردم مجبور نیستند برای رسیدگی به شکایات و استیفا حقوق خود، به قاضی و یا دستگاههای قضائی چپیزی پرداخت کنند، ولی بطور غیر رسمی خیلی بیشتر باید بپردازند. و ای گاش برای استیفا حق بود که در بسیاری از موارد برای حق کثی بوسیله قانون است!، و در سیستم قضائی جهان حق باکسی است که زر بیشتر دارد، و یا زور، و حکومتی حقوق بشر را رعایت می کند که زر و زور او بیشتر از دیگران باشد!

ولی از دیدگاه اسلام قضاوت مجانی و بدون اجرت است، و قاضی حق ندارد برای رسیدگی به شکایات مردم و استیفا حقوق واجرا عدالت از مردم اجرت بگیرد، نه بطور رسمی و نه بطور غیررسمی نه بعنوان کارمزد، و نه بعنوان هدیه، و نه بعنوان رشوه. امام صادق - علیه السلام - در رابطه با تبیین اموال حرامی که

انسان از راههای مختلف بدست می آورد می فرماید:

والسحت انواع کثیره: منها ما اصیب
من اعمال الولاة الظلمة ومنها اجور
القضاة، واجور الفواجر، و شمن الخمر.

مال حرام انواع بسیاری دارد که از آن جمله، مالیهائی است که از راه کارمندی بر مامداران ستمگر بدست می آید، و از آن جمله اجرتیهائی است که قضات دریافت می کنند، و همچنین اجرتی است که زنهای رانیه بابت زنا دریافت می نمایند، و همچنین بهای خمر... (۱)

همانطور که ملاحظه می کنید در این حدیث که بسند صحیح از امام صادق - علیه السلام - نقل شده، اجرت قضاوت در کنار حقوق کارمندی دولت ظالم، و در کنار اجرت زنا و بهای خمر مطرح شده است!

در اینجا ما نمی خواهیم مساله اجرت بر قضا را از نظر فقهی بررسی کنیم، بلکه منظور بررسی این مسئله در بعد اخلاقی و اجتماعی آنست، و در این رابطه همانطور که در مقالات قبلی بطور مشروح بیان شد، قضاوت از دیدگاه اسلام یکی از شاخه های رسالت و ولایت کلیه الهیه است، هیچ پیامبری از مردم اجرت و مزد و حقوق برای ابلاغ رسالت خود نخواست.

نوح صریحا اعلام می کرد که مردم من از شما اجرت و مزد نمی خواهم، که مزد من با خدا است. (۲)

هود صریحا می گفت کمن اجرت نمی خواهم ، اجرت من با خدا است . (۳)

صالح صریحا اعلام می نمود که من اجرت رسالت نمی خواهم ، اجرت من با خدا است . (۴)

و همچنین لوط (۵) و شعیب (۶) و بالاخره پیامبر اسلام (۷) صلوات الله علیهم اجمعین .

پیامبران الهی سر تا پا اخلاص بودند ، هر چه می کردند برای خدا بود و هیچگونه چشم داشتی به مردم نداشتند ، و قاضی در نظام حکومتی اسلام رسالت پیامبران الهی را بدوش دارد .

داستانی از اخلاص موسی

حضرت موسی - علیه السلام - پیش از آنکه به رسالت مبعوث شود ، پس از فرار از چنگ فرعونیان ، با پای پیاده و با شکم گرسنه بسوی مدین حرکت کرد ، و با زحمت زیاد خود را به مدین رسانید وقتی به مدین رسید ، دید عده ای برای آب دادن گوسفندان خود در کنار آبی جمع شده اند ، از جمله آنها دو دختر بودند که موسی به آن دو کمک کرد و گوسفندان آنها را آب داد ، سپس زیر سایه ای آمد و از بس گرسنه بود دعا کرد که خدایا خیری باین نیازمندان برسان که مقصودش از خیر بگفته امام علی - علیه السلام - چیزی جز نان نبود .

در همین اثنا یکی از آن دو دختر بازگشت و به موسی گفت که پدرم تو را می خواهد که اجرت و مزد زحمتی را که برای آب دادن گوسفندان ما کنیدی بدهد ، موسی همراه دختر آمد . معلوم شد آن دخترها ، دختران حضرت شعیب پیامبر خدا بودند ، بهر حال وقتی موسی وارد خانه شعیب شد موقع شام بود و غذا مهیا ، موسی هم در نهایت گرسنگی ، (از اینجابه بند این داستان بسیار جالب و آموزنده است) .

غذا آماده و موسی گرسنه ، و شعیب منتظر است که موسی بنشیند و غذا بخورد ولی با کمال تعجب ملاحظه می کند که جوان تازه وارد که آثار گرسنگی و خستگی در چهره نورانی او پیدا است همچنان ایستاده و سر سفره نمی نشیند!

شعیب رو به او کرد و گفت : جوان بنشین شام بخور!

موسی پاسخ داد : پناه بخدا می برم !! .

شعیب گفت : چرا ؟ مگر گرسنه نیستی ؟!

موسی جواب داد : چرا ، ولی می ترسم که این غذا اجرت و پاداش آب دادن به گوسفندان باشد در صورتیکه ما خاندان ، خاندانی هستیم که آنچه را برای خدا و آخرت انجام دادیم ، اگر تمام زمین را برای خرید آن بمانده بدهند ، چیزی از آنرا نمی فروشیم! (۸)

شعیب سوگند یاد کرد که این شام بعنوان اجرت نیست ، و مهمان نوازی عادت او و پدران اوست .

موسی وقتی یقین کرد که غذا بعنوان اجرت نیست ، نشست و مشغول خوردن شد . (۹)

موسی با این عمل درس بزرگی به همه کسانی که بخواهند پیامبر گونه عمل کنند و رسالت انبیا را بدوش گیرند ، می دهند . موسی میگوید من برای خدا به دختران شعیب کمک کردم و حاضر نیستم این عمل کوچک را با بزرگترین ارزشهای مادی معاوضه کنم . این گفتار مبالغه آمیز نیست ، واقعیت است کسی که بخدا و قیامت معتقد است ، کوچکترین عمل اخروی را با بزرگترین ارزشهای مادی معاوضه نمی کند ، چون می داند که "ما عندکم یفقدو ما عند الله باقی" ارزشهای مادی هر چند هم بزرگ باشند فانی ، و ارزشهای معنوی هر چند هم کوچک باشند باقی است ، و لذا ارزشهای معنوی به هیچوجه قابل مقایسه و معاوضه با ارزشهای مادی نیستند .

و لذا امام علی - علیه السلام - می فرماید :

لوصح یقینک لما استبدلت الفانی

بالباقی ولا یعت السنی بالدنی .

اگر یقین تو درست بود فانی را با باقی عوض

نمی کردی و برپسا را به بی ارزش و پست

نمی فروختی (۱۰) .

عمل موسی - علیه السلام - نمونه ایست از اخلاص انبیا الهی در اموری که حتی مربوط به رسالت آنها هم نیست ، وقتی قبل از نبوت! ، که در سخت ترین شرائط زندگی ، حاضر نیستند برای کاری را که برای خدا انجام داده اند ، اجرت دریافت کنند ، بنابراین این خیلی طبیعی است که در برابر ابلاغ رسالت الهی از مردم انتظار اجرت نداشته باشند .

و اگر قضاوت شاخه ای از شاخه های رسالت است ، که هست ، و اگر قضاوت اسلامی رسالت انبیا را بدوش دارند - که دارند - در رابطه با تحقق یکی از مهمترین فلسفه های بعثت انبیا ، که تحقق قسط و پیاده کردن عدالت اجتماعی است ، باید در خط انبیا الهی حرکت کنند ، و مانند پیامبران "لا اسئلكم علیه اجرا" بگویند ، و اگر نه ، آن قاضی که برای حقوق و اجرت و یا موقعیت و شهرت ، منصب قضا را می پذیرد و به دادسرا و یا دادگاه قدم می گذارد ، هر چند از نظر فقهی هم این اجرت بر او حلال باشد ، هرگز نمی تواند تداوم بخش راه انبیا باشد ، که او آگاهانه و یا ناخودآگاه تحت تاثیر مطامع خویش است! و تنها کسی می تواند به قانون الهی و حق و عدل وفادار بماند که وارسته باشد از هوس و ترس .

ارتزاق از بیت المال

در اینجا این سؤال پیش می آید که با این وضع اگر قضاوت اجرت نداشته باشد ، و قاضی نباید برای قضاوت حقوق بگیرد ، پس چگونه زندگی کند ؟!

در این رابطه ، فقها عبارت دقیقی دارند ، و آن اینک میگویند :

" قاضی می‌تواند از بیت المال ارتزاق کند " .

در این عبارت خوب دقت کنید ، نمی‌گویند " اجرت قضاوت با او بدهند تا بتواند زندگی کند " می‌گویند " مخارج زندگی او باید از بیت المال تامین شود " .

ممکن است شما بگویید چه فرقی دارد ، چه بگویند " اجرت قضاوت با او بدهند تا بتواند زندگی کند " چه بگویند " مخارج او باید تامین شود " در هر صورت مخارج زندگی قاضی تامین می‌شود ، حال ، نامش اجرت باشد یا ارتزاق از بیت المال !!

آری بحسب ظاهر ، مساله همینطور است ، " اجرت " یا " ارتزاق " تفاوتی ندارند ، ولی در واقع با هم تفاوت دارند ، و خیلی تفاوتشان زیاد است ، بمفصله زمین و آسمان ! و تفاوت انسان الهی ، با انسان مادی !

آن قاضی که برای اجرت کار می‌کند ، ارزش کار خود را همان اندازه می‌داند که حقوق می‌گیرد ، و واقعا هم کارش اگر خوب باشد بیش از آن نمی‌ارزد ، بلکه همان مقدار هم نمی‌ارزد ! .

و آن قاضی که به قضاوت بعنوان یک رسالت الهی می‌نگرد ، پیامبر گونه در برابر انجام رسالت خود هیچگونه اجر و مزدی نمی‌خواهد و حاضر نیست حتی یک ساعت از کار قضائی خود را بهیچ قیمتی بدهد ! .

آنکه برای اجرت کار می‌کند اگر حقوق قطع شود یا کم شود قضاوت نمی‌کند ، و با از کار می‌کاهد ، ولی آنکه برای خدا کار میکند با کم شدن انگیزه‌های مادی ، چون احساس خلوص بیشتر می‌کند فعالیتش بیشتر و بهتر می‌شود .

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - در رابطه با اخلاص و بی‌گرائی که برای خدا جهاد می‌کنند و حقوق دریافت می‌نمایند مثل جالبی دارد که در رابطه با بحث ما نیز قابل بهره‌برداری است ، می‌فرماید :

مثل الذین یغزون من امتی و یاخذون

الجعل ، یتقوون علی عدوهم مثل

ام موسی ترضع ولدها و تاخذ اجرها

مثل کسانی از امت من که می‌جنگند ، و حقوق

هم می‌گیرند تا با آن خود را بر علیه دشمن

تقویت کنند ، مثل مادر موسی است که بچه خود

را شیر می‌داد ، و اجرت شیردادن می‌گرفت (۱۱)

این مثل خیلی دقیق و جالب و آموزنده است :

میدانید که حضرت موسی علیه السلام در یکی از تاریکترین و

وحشتناکترین دورانهای تاریخ بدنیا آمد ، فرعون از ترسی که از

نسل جوان داشت دستور داده بود که پسر بچه‌ها را بطور کلی در

همان آغاز تولد نابود کنند ، در چنین شرائطی موسی دیده

بجهان گشود .

مادرش از ترس دژخیمان فرعون بالهام الهی او را در صندوقچه ای گذاشت و در آب رود نیل افکند ، بستگان فرعون او را از آب گرفته نزد فرعون آوردند ، و بالاخره به پیشنهاد همر فرعون بنا شد که او را نکشند و از او نگهداری کنند .

مشکل اینجا بود که این کودک ، پستان هیچ زنی را نمی‌گرفت ، تا اینکه بالاخره توسط خاله حضرت موسی برای دایگی به مسادر حضرت راهنمایی شدند ! و اینجا بود که مادر موسی به فرزند خود شیر می‌داد ، و اجرت هم می‌گرفت !

ولی نکته این است که آیا انگیزه مادر موسی برای شیردادن فرزند خود ، گرفتن حقوق و اجرت بود ، و آیا اصولا می‌شود که مادر بخاطر اجرت بفرزندش شیر دهد ؟ ! .

پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - می‌فرماید : مثل آن بی‌کارگری که دست از زندگی شسته ، و به همه امیال و آرزوها پشت پا زده و در جبهه حق علیه باطل برای خدا می‌جنگد و در عین حال حقوق هم دریافت می‌کند تا خود را بر علیه دشمن تقویت نماید ، مثل چنین بی‌کارگری مثل مادر حضرت موسی است که در عین اینکه بچه خود را شیر می‌دهد ، بخاطر جَوّ خاص زندگی اجرت و حقوق هم دریافت می‌کند .

یعنی همانطور که شیردانه مادر موسی بخاطر اجرت نیست ، جنگیدن این مجاهد هم نمی‌تواند در مقابل حقوق و اجرت باشد ، و همانطور که انگیزه واقعی مادر موسی پرورش فرزند خود و پیامبر خدا است ، انگیزه واقعی این مجاهد نیز ، انجام فرمان خدا و اجرت جهادش نیز با خدا است .

در مورد قضاوت و اجرت بر قضا نیز مساله همین است در آنجا که قاضی قضاوت خود را در مقابل اجرت نمی‌بیند بلکه از بیت المال ارتزاق می‌کند ، انگیزه‌اش از قضا انجام فرمان خدا و تداوم راه انبیاء است .

ولی پرورش این انگیزه بگونه‌ایکه بر انگیزه‌های مادی چیره شود قدری ریاضت و پرورش روح و تزکیه نفس می‌خواهد ، و هر قاضی نمی‌تواند مدعی شود که در رابطه با گرفتن اجرت و حقوق بگونه مادر موسی است ! .

و اگر چنین نشد بدانند که مشمول احادیثی است که در رابطه با کسانی وارد شده که دین را وسیله نام و نان خود نموده‌اند . . .

ادامه دارد

- ۱ - وسائل الشریعه جلد ۱۲ صفحه ۶۴ حدیث ۱۲ .
- ۲ - ۴۰۳۰ ، ۴۰۵۰ - نگاه کنید به سوره شعراء آیات ۱۰۹ ، ۱۲۷ .
- ۳ - ۸۰ ، ۱۲۶ ، ۱۲۵ .
- ۴ - سوره من آیه ۸۶ .
- ۵ - انا اهل بیت لانیع شیئا من عمل الاخره بملا الارض ذهبا
- ۶ - نگاه کنید به بحار الانوار جلد ۱۳ صفحه ۲۱ .
- ۷ - میزان الحکمه باب ۲۲۵۸ .
- ۸ - میزان الحکمه باب ۳۶۱۹ .